گزارش

فساد اجاره‌ای در تهران!

فرزادشاه حیدری

احتمالاً در معابر ورودی شهرهای توریستی به ویژه در شمال کشور، شاهد اجاره روزانه ویلا و خانه‌های مسکونی توسط مسافران و گردشگران هستید؛ اما به دلیل وجود هتل‌ها و مسافرخانه‌های فراوان اجاره روزانه خانه‌های مسکونی در کلانشهر تهران کمی عجیب به نظر می‌رسد. با بررسی سایت‌های اینترنتی و صفحات مجازی شاهد آگهی‌های متعددی هستیم که انواع منازل مسکونی و ویلایی را این بار نه در شهرهای توریستی بلکه در شهر تهران و حومه آن و آن هم در مدت زمان‌های کوتاه به بهانه‌های گوناگون اجاره داده می‌شود که البته برخلاف هتل‌ها و مسافرخانه‌ها از متقاضیان مدارک شناسایی مصوب دریافت نمی‌کنند. طی تماسی که با چند آگهی در این خصوص داشتیم، دریافتیم که فقط با تصویر یک کارت‌ملی که گاهی به صورت آنلاین در فضای مجازی ارسال می‌شود، می‌توان خانه‌ای در مناطق مختلف تهران با قیمتی روزانه از چند صدهزار تومان تا چند میلیون تومان اجاره کرد. شرط دیگر این منازل اجاره‌ای، عدم برگزاری مهمانی است اما نسبت افرادی که در آن منازل اسکان پیدا می‌کنند، اهمیتی ندارد و البته برای مهمانی‌ها، باغ‌ها و ویلاهای اطراف شهر تهران را پیشنهاد می‌کنند و مدعی هستند که هیچ مزاحمتی از جانب هیچکس برای اینگونه مراسم ایجاد نخواهد شد. در ادامه پیگیری‌ها با صاحبان این آگهی‌ها گفت و گو کردیم و متوجه شدیم این خانه‌ها برای برگزاری جلسات به ویژه برخی شرکت‌ها و اسکان مسافران از شهرهای دیگر و خوش‌گذرانی شبانه تعدادی از جوانان نیز استفاده می‌شود. در گفت وگو با «رئیس مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ» مطلع شدیم پرونده‌هایی در پلیس تشکیل شده که جرائمی در این منازل که بیشتر آنها به صورت روزانه اجاره می‌شود، روی داده‌است. سرهنگ بابک نمک‌شناس در این خصوص گفت که برخی مجرمان با اجاره این منازل اقدام به کلاهبرداری، فریب و گاهی اغفال طعمه‌های خود کرده و معرفی این منازل به عنوان منزل شخصی یا شرکت خصوصی از طعمه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند که البته در بسیاری از این جرائم، متهمان توسط پلیس پایتخت دستگیر شده‌اند. در همین زمینه می‌توان به نمونه‌های زیادی اشاره کرد، در یکی از این پرونده‌ها، متهم با فریب بانوان در فضای مجازی و اعتمادسازی، فریب خوردگان را به منزلی که به این شکل اجاره کرده بود، دعوت کرده و با استفاده از نوشیدنی‌های مسموم آنها را بیهوش کرده و مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و پس از آن، با سرقت زیورآلات و اموال قیمتی‌شان از محل می‌گریخت. با این حال هستند مجرمان و صاحبان شرکت‌های هرمی، صوری و کاغذی که همواره از این بسترها برای برگزاری به ظاهر جلساتشان تحت عناوین مختلف از جمله شرکت‌های مختلف استفاده کرده و اقدام به کلاهبرداری می‌کنند و شهروندان باید در صورت مراوده با افراد ناشناس و شرکت‌های خصوصی از اعتماد بی‌جا به آنها بپرهیزند و قبل از انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و تجاری، از قانونی بودن فعالیت شرکت‌ها اطمینان حاصل کرده و مراقب باشند که ظواهر و زرق و برق شرکت‌ها به معنای قانونی بودن شرکت‌ها و موجه بودن افراد نیست. توجه به این نابسامانی موجود در بازار اجاره مسکن به ویژه در کلانشهر تهران از این جهت دارای اهمیت است که در صورت عدم نظارت بر این نوع معامله‌های مسکن که به صورت کوتاه مدت و بدون مدارک مصوب انجام می‌شود، احتمالاً شاهد افزایش این نوع جنایت‌ها و افزایش فساد خواهیم بود و بعید نیست از اجاره‌های روزانه به اجاره‌های ساعتی مسکن نیز برسیم. قطعاً فضای مجازی نیز در رونق این نوع کسب و کار بی‌تأثیر نیست، زیرا این نوع اجاره در سازوکار سنتی بنگاه‌های معاملات مسکن به این شکل امکان پذیر نیست، اما نمی‌توان نوک پیکان اتهام را به سوی فضای مجازی گرفت، زیرا می‌توان با طراحی سامانه برخط نظارت (آنلاین) و ثبت این نوع معاملات مسکن علاوه بر ردگیری این نوع معاملات از اصالت مدارک ارائه شده در این نوع معاملات اطمینان حاصل کرد.

پلیس پایتخت برای همه رانندگان متخلف کلاس می‌گذارد

رئیس پلیس تهران با بیان اینکه تلاش پلیس ارتقای انضباط و ایمنی ترافیکی است از آموزش به رانندگان متخلف خبر داد و گفت: این موضوع جزو اولویت‌های ما است و رانندگان خودروها و موتورسیکلت‌هایی که به دلیل ارتکاب جرایم مختلف توقیف شده‌اند حتماً باید قبل از ترخیص وسیله‌شان این آموزش‌ها را طی کنند.

سردار حسین رحیمی در اجرای طرح انضباط ترافیکی طاهر گفت: نخستین مرحله از طرح ارتقای انضباط عمومی و ترافیکی در سطح معابر و بزرگراه‌های تهران به مرحله اجرا در آمده است. وی با اشاره به راه‌اندازی پلیس نامحسوس در بزرگراه‌ها گفت: احیای مجدد پلیس نامحسوس دوباره آغاز می‌شود؛ چراکه ما در بزرگراه‌ها شاهد تخلفاتی همچون لایی کشی، سرعت و سبقت غیرمجاز هستیم از همین‌رو با استفاده از خودروهای جدید و امکانات و نیروهای توانمند پلیس نامحسوس دوباره اجرایی می‌شود. وی ادامه داد: تلاش ما ارتقای ایمنی و انضباط ترافیکی در سطح شهر تهران است، در این راستا مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی ۱۵ آیتم شامل (سرعت و سبقت غیر مجاز، تخلفات ساکن، آلایندگی، مخدوش کردن پلاک، هنجارشکنی و...) را مدنظر قرار داده و طی این مدت ۱۳۷۵ دستگاه خودرو با تخلفات مختلف را که بیشترین آن مربوط به تخلفات ساکن است، توقیف کرده‌اند. سردار رحیمی با بیان اینکه طی همین مدت ۵۲هزار دستگاه خودرو نیز اعمال قانون شده‌است، گفت: تلاش پلیس ارتقای انضباط و ایمنی ترافیکی است و شعار ما نیز شهر ایمن همراه با قانون است که حتماً به دنبال اجرایی کردن آن هستیم و در مراحل بعدی اجرای طرح «طاهر» نیز برای تحقق آن اقدام خواهیم کرد. سردار رحیمی از آموزش به رانندگان متخلف خبر داد و ادامه داد: این موضوع نیز جزو اولویت‌های ما است و رانندگان خودروها و موتورسیکلت‌ها که به دلیل ارتکاب جرائم مختلف توقیف شده‌اند حتماً باید قبل از ترخیص این خودرو این آموزش‌ها را طی کنند. رئیس پلیس پایتخت با بیان اینکه بیش از ۷میلیون خودرو در شهر تردد می‌کنند بر ضرورت توجه موتورسیکلت سواران و عابران پیاده تأکید کرد و گفت: بنابر آمارها اگر چه حوادث و تلفات رانندگی در تهران چهاردرصد کاهش داشته است، اما بالغ بر ۷۰درصد از کشته‌ها راکبان موتورسیکلت و عابران پیاده بودند. سردار رحیمی ادامه داد: خودروهای با بیش از یک‌میلیون تومان تخلف نیز پس از تذکر و هشدار پلیس توقیف خواهند شد. وی درخصوص حذف طرح زوج و فرد هم گفت: در این خصوص اطلاعی ندارم و تا این لحظه هیچگونه بحثی در این باره نشده است. اجرای طرح‌های جدید نیازمند کار کارشناسی است و باید محاسن و معایب آن بررسی شود.

شهروند هوشیار پلیس را به پلیس‌های قلابی رساند

افراد تبهکار برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به هر کاری می‌زنند. تجربه نشان داده است که مجازات زندان هم تأثیری روی این افراد ندارد بلکه بعد از آزادی با تجربه بیشتری به دنبال اعمال تبهکارانه‌شان می‌روند. بی‌پروایی این افراد از مجازات تا آنجا پیش رفته است که بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند برای رسیدن به اهدافشان خودشان را پلیس معرفی کنند. مثل دو برادر سابقه‌دار به نام‌های امیر و حسام که در پوشش مأمور، اموال مردم را سرقت می‌کردند که با هوشیاری یکی از شهروندان بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴ روز پنج‌شنبه هفتم آذرماه مردی دستبند به دست خودش را به مأموران گشت کلانتری ۱۳۷ جنت‌آباد رساند و درخواست کمک کرد. او گفت که از دست دو پلیس قلابی فرار کرده است. مرد جوان ماجرا را این طور شرح داد: لحظاتی قبل در حال عبور از خیابان جنت‌آباد بودم که یک خودروی سمند سفید رنگ توقف کرد. به جز راننده مرد جوانی در صندلی شاگرد سوار بود. فکر کردم به دنبال آدرس هستند، اما وقتی اسلحه و تجهیزات پلیسی‌شان را نشانم دادند احتمال دادم که پلیس باشند. سرنشین سمند ناگهان پیاده شد و به من دستبند زد و مرا در صندلی عقب سوار کرد. وقتی علت را سؤال کردم هیچ کدام چیزی نگفتند. خواستم کارت‌شان را نشان دهند که توجه نکردند. آنها پول نقد، گوشی تلفن همراه و کارت‌های بانکی و رمز آن را گرفتند. فهمیده بودم که این دو نفر پلیس قلابی هستند بنابراین منتظر فرصتی برای فرار ماندم. فرصت مناسب هم خیلی زود فراهم شد. وقتی راننده نزدیک باجه عابربانک توقف کرد و همدستش برای امتحان کردن رمز کارت عابر، خودرو را ترک کرد من هم فرصت فرار پیدا کردم. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه‌نهم دادسرای امور جنایی به اداره یکم پلیس آگاهی فرستاده شد.

کارآگاهان پلیس در اولین گام با بررسی تصاویر مداربسته بانک تصویر یکی از متهمان را به دست آوردند. امیر ۳۴ساله از مجرمان سابقه‌دار بود که بارها به اتهام سرقت مسلحانه، سرقت در پوشش پلیس و تعرض جنسی بازداشت شده و به زندان افتاده بود. بعد از شناسایی امیر به عنوان یکی از دو متهم، کارآگاهان متوجه شدند برادر ۳۶ساله‌اش حسام مالک یک خودروی سمند سفید و او هم مجرم سابقه دار در زمینه سرقت لوازم خودرو است. با کامل شدن تحقیقات مخفیگاه دو متهم در تهرانسر شناسایی شد و کارآگاهان بامداد روز گذشته در محل حاضر شدند. در زمان دستگیری، دو برادر در حالیکه با خودروی سواری سمند قصد خارج شدن از مخفیگاه خود را داشتند، با اطلاع از حضور پلیس تلاش کردند از دست کارآگاهان فرار کنند که خودروی آنها از ناحیه لاستیک مورد هدف گلوله قرار گرفت و پس از توقف خودرو هر دو نفر دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه دو متهم، چندین پلاک دارای سابقه سرقت، چراغ گردان، یک قبضه اسلحه وینچستر، یک دستگاه موتورسیکلت ns سرقتی کشف شد.

دو برادر که هر دو به مصرف شیشه اعتیاد دارند به سرقت تحت پوشش پلیس با تهدید سلاح گرم اعتراف کرده و در ادامه تحقیقات به سرقت‌های مشابه در مناطق مختلف شهر تهران به ویژه در الهیه و محدوده اتوبان همت اعتراف کردند.

در حالی که تحقیقات از دو برادر مأمورنما به دستور قاضی سهرابی ادامه دارد دو شاکی دیگر به دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کردند و از متهمان شکایت کردند. یکی از شاکیان گفت: در حال عبور از خیابانی در غرب تهران بودم که خودروی سمندی راه مرا سد کرد. سرنشین جلو که دستبند و اسلحه داشت خودش را مأمور پلیس معرفی کرد و مرا دستبند زد و به داخل خودرو برد. آنها به زور تلفن همراه و کارت عابر و رمزش را گرفتند و بعد از کارتم ۲میلیون تومان برداشت کردند و بعد هم مرا در محل خلوتی رها کردند. شاکی دیگر گفت: من بازاریاب هستم. چند روز قبل دو مرد سمند سوار خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند و بعد مدعی شدند که به من مشکوک هستند و مرا دستبند زدند. آنها مأمور قلابی بودند که کارت و رمز آن را به زور از من گرفتند و مبلغ یک‌میلیون و ۵۰۰هزار تومان از کارتم برداشت کردند. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهمان در اداره یکم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

اخاذی ۳ میلیاردی راز ۲ساله قتل برج‌ساز را بر ملا کرد

دختر ناخلف دستور قتل پدر مولتی میلیاردرش را صادر کرده بود

حرص و طمع مال دنیا گاهی نه تنها زندگی انسان را شیرین و رنگین نمی‌کند بلکه بسیاری از بدبختی‌ها و رذایل اخلاقی را بدنبال می‌آورد و گاهی هم بلای جان او می‌شود. زیاده‌خواهی و مال‌اندوزی زیاد از نظر عقلایی امری ناپسند است و دل بستگی به آن قلب، روح و روان انسان را تیر و تار می‌کند به طوری که افراد طمعکار گاهی برای بدست آوردن مال دنیا دست به کارهایی اشتباهی می‌زنند که جبران آن غیرممکن است مانند پرونده دختر پولداری که برای بدست آوردن ثروت پدر مولتی میلیاردرش دستور قتل پدرش را صادر می‌کند.

به گزارش خبرنگار ما، اواسط مهرماه امسال بود که زن جوانی به اداره پلیس رفت و گفت مدتی است مردی که خودش را مأمور پلیس معرفی کرده از او به بهانه‌های مختلف اخاذی می‌کند.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: من متأهل هستم و فرزند دارم و از طرفی هم خیلی پولدارم و زندگی اشرافی دارم. مدتی پیش مردی با شماره تلفن همراهم تماس گرفت و خودش را سرهنگ هاشمی معرفی کرد و گفت به کارهای من و همسرم مشکوک شده و مدعی شد که ما وارد باند خلاف شده و از این طریق پولدار شده‌ایم در صورتی که من به واسطه ارثیه پدری‌ام که از مولتی میلیاردرهای تهران بود، وضع مالی خوبی دارم و اصلاً نه من و نه همسرم کار خلافی انجام نداده‌ایم. من ابتدا به حرف‌های او توجهی نکردم تا اینکه او خانواده مرا تهدید به قتل کرد و حتی چند باری هم با ارسال فیلم‌های به گوشی‌ام تهدیدهای خود را ادامه داد تا اینکه تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و از سرهنگ هاشمی شکایت کنم. با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی رضوانی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیم زبده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

سرهنگ قلابی جاعل حرفه‌ای بود

مأموران در نخستین گام مرد اخاذ را تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه دریافتند این مرد سرهنگ قلابی است که در چند مرحله از شاکی اخاذی‌های میلیاردی کرده است و دارای سابقه کیفری است. بدین ترتیب با شناسایی متهم مأموران وی را در مخفیگاهش دستگیر کردند. مأموران همچنین مدارک زیادی را از مخفیگاه سرهنگ قلابی کشف کردند که همگی آنها جعلی بود و حکایت از این داشت متهم علاوه بر اخاذی در پوشش سرهنگ نیروی انتظامی جاعل حرفه‌ای است که با گرفتن مبالغ زیاد برای افرادی گواهی‌ها، مدارک تحصیلی، اسناد و غیره جعل می‌کند. متهم در بازجویی‌ها ابتدایی منکر اخاذی از زن جوان شد و مدعی شد که او اشتباه می‌کند اما جعل اسناد را قبول کرد. سرهنگ قلابی پس از بازجویی‌ها فنی در نهایت لب به اعتراف گشود و به اخاذی‌های میلیاردی از زن جوان با همدستی راننده خصوصی زن جوان اعتراف کرد.

بر ملا شدن راز قتل مرد مولتی میلیاردر پس از ۲ سال

وی گفت: همیشه برای کشیدن قلیان به قهوه خانه‌ای در جنوب تهران می‌روم تا اینکه مدتی قبل هنگام کشیدن قلیان با مردی به نام کیوان آشنا شدم. او وضع مالی خوبی داشت و می‌گفت راننده زن جوان پولداری به نام شیدا است و این زن، پول خوبی به او می‌دهد. چند هفته‌ای از آشنایی ما گذشته بود و ما هر چند روز یک‌بار در قهوه‌خانه یکدیگر را ملاقات می‌کردیم تا اینکه یک روز کیوان با من درد دل کرد و گفت از زندگی خسته شده است و قصد دارد به زندگی‌اش پایان دهد. خیلی اصرار کردم به راز دل او پی ببرم و سرانجام با اصرار من گفت که دو سال قبل مرد پولداری را به دستور دخترش کشته است و الان عذاب وجدان دارد. پس از چند جلسه حرف زدن او را آرام کردم و به او پیشنهاد دادم به جای خودکشی بهتر است از زن پولدار به بهانه قتل پدرش اخاذی کنیم. بدین ترتیب من، کیوان را بر سر قبر مقتول بردم و از او خواستم اعتراف به قتل کند و کیوان اعتراف به قتل کرد و گفت به دستور دخترش مرتکب قتل شده است. از اعتراف او فیلم گرفتم و برای زن پولدار فرستادم و خودم را سرهنگ هاشمی معرفی کردم و گفتم از طریقی به این کلیپ دسترسی پیدا کرده‌ام. در این مدت به بهانه حق سکوت بیش از ۳میلیارد تومان از او اخاذی کردم اما دوباره طمع کردم و قصد داشتم بیشتر اخاذی کنم که زن جوان به اداره پلیس رفت و از من شکایت کرد.

دستگیری راننده خصوصی زن جوان به اتهام قتل

پس از اعتراف سرهنگ قلابی، مأموران کیوان را بازداشت کردند. متهم که چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت به قتل مرد ثروتمند اعتراف کرد و گفت که دختر مقتول دستور قتل پدرش را صادر کرد. وی که چند روز قبل برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شده بود، گفت: دوسال قبل دختر مقتول از من خواست پدرش را به قتل برسانم و من هم با همدستی برادرم او را به قتل رساندم. مأموران در ادامه برادر سنگین وزن کیوان را به اتهام مشارکت در قتل مرد پولدار دستگیر کردند. برادر کیوان هم در بازجویی‌ها حرف‌های برادرش را تأیید کرد.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

کیوان هستم ۴۵ ساله.

چه مدتی است با خانواده مقتول آشنایی داری؟

من از دوران جوانی راننده این خانواده بودم و وقتی دختر مرد پولدار عروس شد راننده خصوصی دخترش شدم.

از مقتول کینه داشتی؟

نه او هیچ بدی به من نکرد.

چرا او را کشتی؟

دخترش دستور داد و برای این کار هم پیشنهاد وسوسه کننده‌ای داد که اشتباه کردم.

چه پیشنهادی؟

گفت تا آخر عمر مرا تأمین می‌کند و واقعیتش خیلی به من پول می‌داد و هر چقدر نیاز داشتم تأمین می‌کرد.

پس چرا شروع به اخاذی کردی؟

اول اینکه دوباره طمع کردم که اشتباه بزرگی بود و دوم اینکه من از این زندگی خسته شده بودم و عذاب وجدان داشتم به طوریکه قصد خودکشی داشتم که دوستم پیشنهاد اخاذی را داد و از همه مهمتر خدا می‌خواست با این کار ما، راز این قتل بر ملا شود.

چرا دخترش دستور قتل پدرش را صادر کرد؟

فکر کنم به خاطر بدست آوردن ثروت پدرش بود. او به من گفت که عمه‌هایش قصد دارند برای پدرش زن بگیرند و پدرش هم راضی به ازدواج است که او فکر کرده بود شاید از این طریق مقداری از ثروت پدرش را آن زن و عمه‌هایش تصاحب کنند که نقشه قتل را صادر کرد.

درباره حادثه توضیح بده؟

آن روز من و برادرم به بهانه دیدن تابلوهای نفیس مقتول به خانه‌اش رفتیم و در فرصت مناسب او را خفه کردیم.

چه شد که مأموران متوجه نشدند؟

دخترش گفت چند روزی از او خبری نگیریم تا جسد دچار فساد نعشی شود و علت مرگ مشخص نشود. آن روز پس از قتل آلبوم عکس‌های قدیمی را جلوی مقتول باز کردیم و چند روز بعد که دخترش به خانه‌اش رفت ادعا کرد پدرش با دیدن عکس‌های مادرش سکته کرده‌است. آن روز هیچ پزشکی گواهی فوت صادر نکرد تا اینکه زن جوان با تنها برادر پزشکش که در فرانسه زندگی می‌کند تماس گرفت و گفت پدرشان سکته کرده و کسی جواز دفن صادر نمی‌کند. برادرش از فرانسه به دوست پزشکش در تهران تماس گرفت و از او خواست گواهی دفن برای پدرش صادر کند و به این طریق ما او را دفن کردیم و مأموران هم متوجه نشدند.

متأهلی؟

متأهل بودم و دو فرزند خردسال داشتم که همسرم چند سال قبل هر دو فرزندم را کشت.

متهم: معاونت در قتل را قبول ندارم

انتقام‌گیری‌های شخصی به جای درخواست کمک از پلیس خیلی وقت‌ها به پرونده‌های قتل منجر می‌شود و سر نوشت عامل حادثه را هم به پرتگاه نابودی می‌کشاند. مثل سرنوشت سه مرد جوان که برای تنبیه دوستشان قصد کتک زدن او را داشتند، اما پا پسشان به پرونده قتل بازشد. یکی از متهمان در زندان به قتل رسید، نفر دوم تا پای چوبه دار پیش رفت و سومین نفر حالا با مجازات حبس ابد مواجه شده است. سومین متهم که کامران نام دارد به اتهام معاونت در قتل به زندان افتاده بود اما حالا به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان به حبس ابد محکوم شده است. متهم که به سلطان مواد مخدر زندان مشهور شده روز گذشته بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش خبر نگار ما، این پرونده ۱۲ سال قبل و همزمان با کشف جسدی سوخته حوالی شهرستان کرج به جریان افتاد. جسد متعلق به مردی جوان بود که با اصابت جسم سخت به سرش به قتل رسیده و سپس به آتش کشیده شده است. کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات خود موفق شدند خانواده مقتول را که ساکن تهران بودند شناسایی کنند. بررسی‌های بعدی تیم جنایی پس از بررسی دوربین‌های مداربسته محلی که جسد نیما در آنجا کشف شده بود سرنخ عاملان حادثه را به دست پلیس داد. مأموران پلیس با بررسی پلاک خودرویی که مقتول با آن به محل حادثه منتقل شده بود مالک آن را که مردی به نام بابک بود بازداشت کردند. بابک در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل از حادثه متوجه شدم نیما به پسری نوجوان که از بستگانم بود تعرض کرده‌است. من کینه نیما را به دل گرفته و تصمیم به انتقام گرفتم. ماجرا را با سروش که از دوستانم است در میان گذاشتم و قرار شد تا نیما را تنبیه کنیم. مطابق نقشه به بهانه گردش نیما را سوار کردیم. در طول مسیر من با کامران هم تماس گرفتم و او را هم سوار کردیم و به طرف کرج حرکت کردیم. در محلی خلوت توقف کردم و درباره کاری که نیما با آن بچه کرده بود توضیح خواستم. ما خیلی زود با هم درگیر شدیم و درگیری ما به بیرون ماشین کشیده‌شد. کامران داخل ماشین ماند اما من و سروش با چوب چند ضربه به نیما زدیم که حالش بد شد و بعد جانش را از دست داد. آنجا بود که ترسیدیم؛ چراکه قصد تنبیه داشتیم، اما حالا جسد نیما روی دستمان مانده بود. به هر حال جسد را آتش زدیم و به تهران برگشتیم تا اینکه بازداشت شدم. بعد از اقرار متهم، دو همدست او سروش و کامران هم بازداشت شدند و حرف‌های بابک را تأیید کردند. با کامل شدن تحقیقات بازپرس، بابک و سروش را به اتهام مشارکت در قتل و کامران را به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. هیئت قضایی پس از ختم جلسه بابک و سروش را به قصاص و کامران را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند. رای دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در نوبت اجرا قرار گرفت و در حالی که مقدمات اجرای حکم در جریان بود از زندان خبر رسید که سروش در جریان درگیری با یک زندانی دیگر به قتل رسیده است. از طرف دیگر در روزی که بابک برای اجرای قصاص به پای طناب دار منتقل شده بود او موفق به جلب رضایت اولیای‌دم شد. کامران هم که با مجازات ۱۵ سال زندان مواجه شده بود به رأی دیوان عالی کشور اعتراض کرد و پرونده او بار دیگر روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. متهم که حالا به جرم قاچاق مواد مخدر با محکومیت حبس ابد هم مواجه شده است در دفاع از معاونت خود در قتل گفت: من در اجرای نقشه قتل نقش نداشتم و هر چه بود زیر سر سروش و بابک بود. جایی که حادثه قتل اتفاق افتاد محل کسب من بود و مأموران بعد از بررسی تصاویر دوربین‌ها تصویر من را هم به دست آوردند و من را بازداشت کردند. سروش هم که به عنوان گواه به جلسه دعوت شده بود، گفت: کامران آن روز همراه ما بود. او به دعوت بابک با ما همراه شد و تا زمان قتل داخل خودرو ماند. هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهم وارد شور شد.